

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برایان برلنیک
برگردان: م. قربانی
۰۹ جون ۲۰۲۴

تایوان در جهت "اوکراین سازی" مهندسی شده آمریکا گام برمی‌دارد



استان جزیره چینی تایوان، همچنان مورد هدف آمریکا و نیروهای سیاسی نیابتی آن است تا کنترل سیاسی را به دست گیرند و آن را به یک "دژ شکن" ژئوپلیتیک علیه بقیه چین تبدیل کنند. با در نظر گرفتن پی‌آمدهای فاجعه‌باری که کشور اروپای شرقی اوکراین از ستراتیژی مشابهی که آمریکا طراحی کرده است، رنج می‌برد، درک آن‌چه واشینگتن با تایوان انجام می‌دهد، افشای آن و احتمال اجتناب از عواقب مشابه در منطقه آسیا و اقیانوسیه امری ضروری است.

"رئیس‌جمهور جدید، همان سیاست جدانی‌طلبی"

"حزب ترقی‌خواه دموکراتیک" لای چینگ‌ته مورد حمایت آمریکا، به عنوان "رئیس‌جمهور" اداره‌کنندگان محلی، سیاست همگرایی بیش‌تر با آمریکا را که شامل تبعیت نظامی، سیاسی و اقتصادی می‌شود، دو چندان کرد. سلف لای چینگ‌ته، سای اینگ-ون، بر گسترش حضور نیروهای امریکائی نظارت داشت، که به گفته وال استریت ژورنال شامل ادعای جزایر خارجی از طرف دولت مستقر در تایپه و همچنین تشنج‌های فزاینده با بقیه چین می‌شد. اقتصاد محلی تایوان به طور مداوم آسیب دیده است، زیرا دولت این جزیره تلاش می‌کند "وابستگی" خود را به چین کاهش دهد، که بزرگترین بازار (تقریباً نصف) تمام صادرات صنایع محلی است.

تایوان یک کشور نیست

گاردین در مقاله خود با عنوان "چین نسبت به تلافی‌جویی علیه تایوان پس از سخنرانی رئیس‌جمهور هشدار می‌دهد"، تلاش می‌کند چین را به عنوان قلدر در مقابل تایوان "مستقل" نشان دهد.

مقاله ادعا می‌کند: "بیجینگ پس از سخنرانی تحلیف رئیس‌جمهور جدید، لای چینگ-ته، که در آن مواضع دولت خود در مورد حاکمیت را حفظ کرد، نسبت به اقدامات تلافی‌جویانه تعریف نشده علیه تایوان هشدار داد و ادعای بیجینگ را مبنی بر این‌که تایوان استانی از چین است، نپذیرفت."

اما، این واقعیت که تایوان یک استان چین است، صرفاً "ادعای چین" نیست. این سیاست از سوی سازمان ملل متحد، سیاست "چین واحد" کشورهای سراسر جهان، از جمله ایالات متحده، اکثر کشورهای اروپائی، و نیز قانون اساسی خود "جمهوری چین" مستقر در تایوان به رسمیت شناخته شده است.

گاردین همراه با بسیاری از رسانه‌های جمعی غرب، عمداً به عموم مردم در مورد وضعیت تایوان اطلاعات نادرست می‌دهد تا به تلاش‌های ایالات متحده برای تبدیل این استان جزیره‌ای به یک نیروی نیابتی در برابر بقیه چین کمک کند، درست به همان روشی که اوکراین به یک نیروی نیابتی علیه روسیه تبدیل شده است.

گاردین همچنین خاطر نشان کرد: "دفتر امور تایوان چین سخنرانی لای را "اعتراف صریح استقلال تایوان" خواند و دوباره لای را "جدائی‌خواه خطرناک" نامید.

در بیانیه‌ای که به چن بینهوا، سخنگوی دفتر امور تایوان نسبت داده شده است، گفته شده است: "هیچ‌کس بیش از ما امیدوار نیست که سرزمین مادری به طور صلح‌آمیز و واقعی به اتحاد مجدد دست یابد." با این حال، ما باید به ضد حمله و مجازات مقامات حزب ترقی‌خواه دمکراتیک در تبتانی با نیروهای خارجی برای ادامه تحریکات "استقلال" بپردازیم." البته نیروهای خارجی مورد اشاره، واشینگتن و متحدانش هستند. حزب ترقی‌خواه دمکراتیک و هر دو، سای اینگ-ون و لای چینگ-ته، به طور اخص سابقه طولانی در همکاری با دولت ایالات متحده، از طریق "مؤسسه امریکائی تایوان" مستقر در تایوان دارند.

"مؤسسه امریکائی تایوان" به عنوان سفارت امریکا عمل می‌کند، زیرا امریکا به طور رسمی تایوان را به عنوان یک کشور به رسمیت نمی‌شناسد. در واقع، در وبسایت رسمی وزارت امور خارجه امریکا در مورد وضعیت تایوان، به طور خاص آمده است که "ما از استقلال تایوان حمایت نمی‌کنیم"، در حالی‌که اعتراف می‌کند که "مؤسسه امریکائی تایوان" "یک سازمان غیردولتی است که طبق قانون روابط تایوان موظف شده است روابط غیر رسمی ایالات متحده با تایوان را انجام دهد."

تسخیر سیاسی تایوان از سوی واشنگتن

تایوان در اصل محل پناهگاه فراریان کومینتانگ، بازندگان مورد حمایت امریکا، در جنگ داخلی چین پس از پایان جنگ جهانی دوم بود. برای این‌که چین نتواند بقایای نیروهای نیابتی واشینگتن را از بین ببرد، ایالات متحده هزاران سرباز را در جزیره تایوان مستقر کرد و برای حفظ آنچه که در آن زمان به عنوان یک شبه‌دولت در تبعید در نظر گرفته می‌شد، سرمایه‌گذاری زیادی کرد.

در دهه ۱۹۷۰، هدف از بازگرداندن کومینتانگ به قدرت بر بقیه چین دیگر عملی نبود. واشینگتن، همراه با سایر نقاط جهان، جمهوری خلق چین مستقر در بیجینگ را رسماً به عنوان دولت مشروع چین، از جمله تایوان، به رسمیت

شناخت. ایالات متحده نیز موافقت کرد که نیروهای نظامی خود را تخلیه کند و در نهایت به فروش تسلیحات به تایوان پایان دهد.

علی‌رغم این اقدامات اولیه و این‌که تا به امروز ایالات متحده به طور رسمی استقلال تایوان را مردود می‌داند، سیاست این کشور در سال‌های اخیر منحصراً بر ترویج تجزیه‌طلبی متمرکز بوده است، از جمله از طریق بازگشت نیروهای امریکائی به جزیره، ایجاد نیروهای نظامی برای اداره جزیره، ایجاد حزب ترقی‌خواه دمکراتیک و کمک به تحکیم کنترل سیاسی آن بر جزیره و سپس سوق دادن جمعیت به سوی ضدیت با چین و طرفداری از تجزیه‌طلبی.

تایوان: نیروی نیابتی یکبار مصرف

در حالی‌که هدف نهائی برای دهه‌ها تبدیل تایوان به رژیم وابسته به امریکا، کاملاً مستقل از چین، و استفاده از آن به عنوان یک "ناو هواپیمابر غرق نشدنی" علیه بقیه چین بوده است، اکنون احتمال چنین رویدادی ضعیف است. هدف بسیار حساب شده‌تر، استفاده از تایوان به عنوان ابزاری برای پیچیده کردن ظهور چین است که به ستراتیژی بزرگ‌تر امریکا برای محاصره و مهار آن کمک می‌کند و هزینه اتحاد مجدد کامل تایوان با بقیه چین را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد.

مقالات اخیرتر اتاق‌های فکر، از جمله مقاله جنوری ۲۰۲۳ مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین‌المللی که با عنوان "نبرد اول جنگ بعدی: بازی‌های جنگی و تهاجم چین به تایوان" گزارش شده است، درباره "تهاجم" احتمالی چین به استان جزیره‌ای خود بحث می‌کند، و اعتراف می‌کند که هر چند معتقد است ایالات متحده در نهایت می‌تواند این عملیات نظامی را مختل کند، اما بهای آن "خسارات گسترده به زیرساخت‌ها و اقتصاد تایوان" است.

بدیهی است که پاکسازی سطح فیزیکی تایوان از تمام صنایع و زیرساخت‌هایی که اقتصاد آن را نابود می‌کند، مساوی با نابودی دستگاه اداری خود تایوان است. درست مانند اوکراین، که سیاست‌گذاران ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ کمک به افزایش نظامی به منظور تحریک، به جای جلوگیری از مداخله نظامی روسیه را پیشنهاد کردند. هدف جلوگیری از درگیری یا نجات اوکراین یا تایوان نیست، بلکه به عکس تحریک درگیری است که می‌تواند هزینه‌های زیادی را برای هر دو به همراه داشته باشد، به این امید که روسیه یا چین یا هر دو را تا سر حد فروپاشی به سبک اتحاد جماهیر شوروی "پیش" ببرند.

اوکراین در حال حاضر هزینه این سیاست در قبال روسیه را می‌پردازد، این سیاست به طور قطع در مورد "سوق دادن" روسیه یا تسریع سقوط دولت یا اقتصاد آن شکست خورده است. استفاده از تایوان برای سیاست‌گذاران امریکا، به شیوه‌ای مشابه، بعید است موفقیت‌آمیز باشد، اما خود تایوان احتمال دارد در صورت درگیری در آینده، به همان شدت آسیب ببیند که امروز اوکراین در بحبوحه درگیری‌های جاری از آن رنج می‌برد. درست همان‌طور که بقیه اروپا از جنگ نیابتی واشینگتن علیه روسیه در اوکراین رنج می‌برد، استفاده واشینگتن از تایوان برای تحریک بیجینگ تأثیر بی‌ثبات‌کننده‌ای در منطقه آسیا-اقیانوسیه خواهد داشت.

روی کار مانند حزب مورد حمایت امریکا، حزب ترقی‌خواه دمکراتیک، در تاپیه به احتمال زیاد خطر تبدیل شدن تایوان به "اوکراین" بعدی را تضمین می‌کند. در این میان، اقتصاد محلی تایوان همچنان آسیب خواهد دید، زیرا دولت فعلی به طور غیر منطقی از بقیه چین دور می‌شود و خود را بیش‌تر تابع اهداف سیاست خارجی ایالات متحده می‌کند.

تنها زمان نشان خواهد داد که آیا سیاست خود بیجینگ برای اتحاد کامل مجدد می‌تواند از سیاست واشینگتن برای تخریب جزیره پیشی بگیرد یا خیر. رویکرد چین شامل ترکیبی از قدرت نظامی برای مقابله با نظامی شدن روزافزون

جزیره و نیز افزایش انگیزه‌های اقتصادی برای به اشتراک گذاشتن صلح، ثبات و رفاه با تایوان است که بقیه چین به طور فزاینده‌ای از اوایل قرن گذشته از آن برخوردار بوده است.
برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک
منتشر شده در تاریخ: ۲۷ می ۲۰۲۴